

شناسایی پیوندهای فرارشته‌ای در روان‌شناسی
(مورد مطالعه: مقاله‌های نشریات روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی)

Identifying the Trans-disciplinary Links in Articles Published in
Psychology Journals (Case Study: Psychology Journals of
Islamic Azad University)

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۴/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۲/۰۲

Mohammad Rahim Rasouli Azad

محمد رحیم رسولی آزاد*

Abstract: The purpose of this study was to identify the relations between the field of psychology and other thematic areas and disciplines in order to determine the extent to which this field was dependent on its own texts as well as other texts and disciplines. This applied research made use of a quantitative bibliometric method as well as citation analysis. The statistical population was composed of citations to articles written in psychology journals of Islamic Azad University. Regarding the articles published in the three active journals, it was attempted to extract 6990 citations from 211 articles. Then, the latter citations were analyzed using citation analysis. The results indicated that the mean citation for each article was 33 citations and English citations were more than that of Persian citations. Next, the periodicals and books received citations up to 62.4% and 24.4%, respectively. Besides, it was found that 82.1% of citations were related to psychological texts and 17.9% of citations were allocated to other disciplines. Furthermore, the majority of trans-disciplinary citations were related to humanities. The field of psychology had the strongest link with the field of social sciences and, then, educational sciences. In addition, 84% and 16% of Persian citations were related to compiled and translated texts. However, 17.2% of citations to translated texts were related to trans-disciplinary texts. According to the results of the research, it was found that the authors relied on non-Persian sources more than Persian sources. Besides, they were more dependent on periodicals and, then, books compared to other sources of information. The psychological texts had the strongest link with humanities, social sciences and, then, educational sciences.

Key word: Trans-disciplinary links, citation analysis, psychology articles.

چکیده: هدف این پژوهش، شناسایی پیوندهای رشته روان‌شناسی با حوزه‌های موضوعی و رشته‌های دیگر است تا میزان اتکای این رشته به متون خود و متون دیگر رشته‌ها و موضوع‌ها مشخص شود. در این تحقیق کاربردی از روش کتاب‌سنجی با رویکرد کمی و فن تحلیل استنادی استفاده شده است. جامعه پژوهش، استنادهای مقاله‌های منتشر شده در نشریات روزآمد و فعال روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی شامل سه نشریه «فصلنامه اندیشه و رفتار»، «فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی» و «فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی» منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ بود. از مقاله‌های منتشر شده در نشریه‌های نام‌برده، ۶۹۹۰ استناد مربوط به ۲۱۱ مقاله، استخراج و با فن تحلیل استنادی بررسی شد. بر اساس یافته‌ها، میانگین استنادها برای هر مقاله ۳۳ استناد بوده است که در این میان، استنادهای انگلیسی بیشتر از استنادهای فارسی است. به نشریات ادواری با ۶۲/۴ درصد و پس از آن به کتاب با ۲۴/۴ درصد استناد شده است. ۸۲/۱ درصد استنادها به متون روان‌شناسی و ۱۷/۹ درصد به سایر رشته‌ها اختصاص دارد. همچنین بیشتر استنادهای فرارشته‌ای با حوزه علوم انسانی ارتباط دارد. رشته روان‌شناسی بیشترین پیوند را با رشته علوم اجتماعی و سپس علوم تربیتی دارد. ۸۴ درصد از استنادهای فارسی، تألیفی و ۱۶ درصد ترجمه‌ای بوده و ۱۷/۲ درصد از استنادهای ترجمه‌ای نیز فرارشته‌ای هستند. نتایج پژوهش، نشان‌دهنده آن است که نویسندگان به منابع غیر فارسی بیش از منابع فارسی و به نشریات ادواری و سپس کتاب بیش از سایر محمل‌های اطلاعاتی اتکا داشته‌اند. متون رشته روان‌شناسی بیشترین پیوند را با حوزه علوم انسانی و رشته‌های علوم اجتماعی و علوم تربیتی برقرار کرده است.

واژگان کلیدی: پیوندهای فرارشته‌ای، تحلیل استنادی، مقاله‌های روان‌شناسی

مقدمه

دانش بشری به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده و ظاهراً مرزبندی شده است اما روند پژوهش در زمان حاضر به گونه‌ای است که هیچ رشته‌ای نمی‌تواند راه حل مسائل خاص خود را تنها درون مرزهای خویش جست‌وجو کند و حوزه‌های علمی ناگزیر از یافته‌های یکدیگر بهره‌مند می‌شوند (حری، ۱۳۷۲، ۵، نقل از نشاط، عسگری و پاسیار، ۱۳۸۹). در دنیای امروز، دیگر تخصص‌گرایی چاره‌ساز کاستی‌ها و نیازهای جامعه بشری نیست و همکاری بین متخصصان علوم مختلف می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات جامعه بشری در همه حوزه‌های علمی، انسانی و اجتماعی باشد (نشاط، عسگری و پاسیار، ۱۳۸۹). کسب پیشرفت‌های علمی و تخصصی و به دنبال آن کاوش‌های ژرف و بررسی‌های علمی تا جایی پیش رفته که به طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های پیچیده و چندوجهی منجر شده است که دیگر حوزه‌ها و رشته‌های سنتی و کلاسیک علمی به تنهایی از پاسخگویی و بررسی آنها ناتوان هستند.

دانش روان‌شناسی نیز به عنوان یک حرفه و رشته دانشگاهی از چنین تحولات و رویکردهایی بی‌نصیب نمانده است و برای رویارویی با مسائل پژوهشی، آموزشی و کارکردی خود به تعامل رشته‌های دیگر نیاز دارد (ریسمان‌باف، ۱۳۸۹، ۲۱). این رشته در طبقه‌بندی علوم در گروه علوم انسانی قرار دارد ولی از جهاتی نیز در زمره علوم طبیعی به‌شمار می‌آید (داورپناه، ۱۳۸۳، ۱۹). چنانچه نتایج برخی مطالعات نیز نشان می‌دهد رشته روان‌شناسی با موضوعات دیگری مانند زیست‌شناسی، فلسفه، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارتباط دارد. رشد و تکامل رشته روان‌شناسی نیز مانند دیگر رشته‌های علمی با بهره‌مندی از یافته‌های سایر حوزه‌ها غنای بیشتری می‌یابد. تعامل فکری پژوهشگران این رشته با دیگر رشته‌های علمی و استفاده از امکانات و قابلیت‌های حوزه‌های علمی دیگر موجب تقویت توان دانش‌پژوهان و ارتقای کیفیت حیات علمی می‌شود. دانش روان‌شناسی افزون بر دانش‌های یاد شده با زمینه‌ها و پیشرفت‌های پزشکی، امور قضایی و دادرسی، بازرگانی و مدیریت، سنجش و اندازه‌گیری و رایانه نیز دارای پیوندی استوار است و به یاری دستاوردهای آنها در تشریح و تحلیل رفتار، موفقیت‌های بیشتری به دست آورده است. رشته‌های دیگری مانند هنر موسیقی و نقاشی یا شعر و سخنوری و کارهای ورزشی نیز هستند که با روان‌شناسی ارتباط پیدا می‌کنند (پارسا، ۱۳۸۲).

رشته روان‌شناسی با وجود داشتن مبانی نظری ویژه، مانند بسیاری دیگر از حوزه‌های علمی از سایر یافته‌های علمی بی‌نیاز نیست. با بررسی و شناسایی الگوهای فرارشته‌ای با استفاده از فن تحلیل استنادی می‌توان دریافت که تولیدکنندگان مقاله‌های روان‌شناسی از چه زمینه‌های موضوعی دیگری برای اجرای پژوهش و نگارش مقاله‌های خود بهره برده‌اند. مؤسسات آموزشی و پژوهشی و سازمان‌ها برای بهینه‌سازی تخصیص منابع به پژوهش، جهت‌دهی مجدد به برنامه‌های حمایت از پژوهش، تجدید ساختار پژوهش در حوزه‌هایی خاص و افزایش تولیدات علمی (موند، ۲۰۰۵، ترجمه میرزایی و مختاری، ۱۳۸۷، ۶) و پژوهشی بر چه اساسی باید عمل کنند. مطالعات کمی علم و فناوری و ارزیابی‌های نظام‌یافته مانند کتاب‌سنجی که از حوزه‌های فرعی مطالعات کمی است و تحلیل استنادی که از روش‌های کلیدی این حوزه فرعی است، به سیاست‌گذاران این عرصه‌ها کمک می‌کند.

همچنین پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند به‌مثابه پلی، سبب افزایش ارتباطات علمی شود که ماحصل آن تولید دانش بیشتر و توسعه علمی، فرهنگی، اجتماعی و ... است. بررسی این الگوها سبب ایجاد زمینه نقد و شکل‌دهی به طرح‌های نو برای آموزش و پژوهش در پیوندهایی که دارای هم‌پوشانی موضوعی در زمینه روان‌شناسی هستند و نیز کمک به متخصصان این رشته خاص در تولید و گسترش دانش خواهد شد که از اهداف عالی هر نظام آموزشی و پژوهشی است.

با روش تحلیل استنادی، پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی صورت گرفته است اما بیشتر این مطالعات با رویکرد کاملاً کمی به میزان استنادها بر اساس تعداد نویسندگان، مطالعات فردی و گروهی، خوداستنادی، نیم‌عمر استنادها، منابع هسته، نویسندگان هسته، صحت استنادی و مانند آن توجه کرده‌اند. تحقیقات انگشت‌شماری نیز پیوند موضوعی استنادها را در حوزه‌های دیگری مانند علوم اطلاع‌رسانی، مطالعه کرده‌اند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه روان‌شناسی با رویکرد بررسی موضوعی و به‌ویژه بررسی بر اساس رشته‌های دانشگاهی به شیوه این پژوهش، پژوهشی انجام نگرفته است. از این‌رو، بررسی تعاملات استنادی این حوزه با سایر حوزه‌های موضوعی و سایر رشته‌ها برای آگاهی از وضعیت کنونی و بهره‌گیری از آن در آینده برای همکاری‌های میان‌رشته‌ای و برنامه‌ریزی‌های درسی و آموزشی، ضرورت دارد. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی ارتباط فرارشته‌ای حوزه و رشته روان‌شناسی با بررسی استنادهای مقاله‌های نشریات روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی

طی سال‌های ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ است. به عبارتی این مطالعه درصدد بررسی این مسئله است که رشته روان‌شناسی با کدام یک از حوزه‌ها و رشته‌ها ارتباط دارد؟ از این مطالعه می‌توان برای پاسخگویی به پرسش‌هایی در مورد ماهیت فعالیت علمی و پژوهشی در حوزه روان‌شناسی بهره گرفت؛ اینکه فعالیت علمی در این حوزه چه ساختاری دارد و فعالان این عرصه چگونه عمل می‌کنند (موئد، ۲۰۰۵، ترجمه میرزایی و مختاری، ۱۳۸۷، ۲۷). با این بررسی، ساختار میان‌رشته‌ای و میزان وابستگی روان‌شناسی به سایر گستره‌های علمی تبیین خواهد شد. تبیین و تحلیل ظرفیت‌های این رشته و ارتباطات فرارشته‌ای آن همچنین می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های مشترک متخصصان این رشته با متخصصان سایر علوم شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

صاحب‌نظران بر اساس دیدگاه‌های خود تعریف‌های متعددی برای استناد ارائه کرده‌اند. با وجود تفاوت‌هایی در چگونگی بیان مفهوم استناد، در همه تعریف‌ها از استناد در جایگاه ابزاری یاد شده است که میان اندیشه‌های جدید و پیشین، پیوند برقرار می‌کند. پیوند علمی میان اندیشه‌ها که از راه استناد برقرار می‌شود به قدری حائز اهمیت است که بسیاری از صاحب‌نظران، وجود استناد در یک اثر را نشانه اعتبار آن اثر و نبود استناد را به منزله بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری قلمداد می‌کنند (نوروزی چاکلی، ۱۳۹۰، ۲۷۶).
 گارفیلد^۱ (۱۹۹۶) استناد را فرایندی، ذهنی و فرهنگی و نیکولایزن^۲ (۲۰۰۳) استناد را کاری اجتماعی معرفی می‌کنند. در شیوه‌نامه شیکاگو^۳ (دانشگاه شیکاگو، ۱۹۹۳) درباره استناد چنین آمده است: هر اثری که داستان یا گزارش مبتنی بر تجربه‌های شخصی فرد نباشد دست کم متکی بر بخشی از یک یا چند منبع است؛ لذا همان‌طور که قانون حق مؤلف حکم می‌کند، اخلاقیات نیز می‌پسندد که مؤلفان و پژوهشگران به نحو مقتضی، منابع و مستندات را که در پی‌ریزی اثر تألیفی یا تحقیقی آنها نقش ایفا کرده‌اند، معرفی کنند (حری و شاه‌داغی، ۱۳۸۵، ۷، نقل از نوروزی چاکلی، ۱۳۹۰).
 حری (۱۳۶۲) استناد را اشاره به سخن یا سند پیشین، خوانده است. در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷، ذیل واژه) و در فرهنگ معین (۱۳۷۱، ۲۶۰) واژه استناد به صورت پشت

^۱.Garfield

^۲.Nicolaisen

^۳.The Chicago Manual of Style

نهادن به چیزی، پشت به چیزی باز دادن، استناد کردن به آیتی، حدیثی یا گفته‌ای و ... و چیزی را سند قرار دادن، تعریف شده است. در واژه‌نامه آکسفورد (۲۰۰۳) در برابر مصدر استناد کردن چنین آمده است: ذکر مطلبی به‌عنوان دلیل، مثال یا به منظور حمایت از آنچه بیان شده است، بیان یا نوشتن کلمات یک کتاب، نویسنده و ... (حری و شاه‌بداغی، ۱۳۸۵، ۸، نقل از نوروزی چاکلی، ۱۳۹۰).

در مجموع، باید گفت استناد اصلی‌ترین ابزار در مطالعات کتاب‌سنجی است. استناد و تحلیل استنادی در علم‌سنجی نیز جایگاه قابل توجهی دارد. انجام هر فعالیت علمی در وهله نخست، مستلزم کسب آگاهی از فعالیت‌های مرتبط پیشین است. امروزه، استناد معیاری برای محک زدن درجه اعتبار و اصالت مطالب ارائه شده در هر نوشته است. استناد از این نظر نیز اهمیت دارد که ارتباط میان موضوع‌ها را نیز نشان می‌دهد. به‌طور معمول، میزان ارتباط یک موضوع با سایر موضوع‌ها بر اساس استنادهایی که میان آثار آن حوزه‌ها به یکدیگر صورت می‌پذیرد، ردیابی می‌شود. متخصصان اطلاع‌رسانی و علم‌سنجی نیز بر اساس استنادها، نقشه این ارتباط را ترسیم می‌کنند. هم‌اکنون در سطح گسترده‌ای از مطالعات علم‌سنجی (از بهره‌وری پژوهش گرفته تا مطالعات مربوط به ساختار متون علمی، همبستگی پژوهش، پیوند میان علم با فناوری، مصورسازی حوزه‌های دانش و مانند آنها) از شاخص‌های استنادی استفاده می‌شود (نوروزی چاکلی، ۱۳۹۰).

در داخل و خارج از ایران، مطالعات متعددی در حوزه تحلیل استنادی صورت گرفته است که بخشی از آنها پراکندگی موضوعی استنادها را نیز بررسی کرده‌اند ولی در زمینه خاص مورد مطالعه، پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است.

چنگ^۱ (۱۹۹۰) با استفاده از داده‌های نمایه استنادی علوم اجتماعی، استنادهای یازده نشریه علوم اجتماعی منتشر شده از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ را به‌منظور سنجش و ارزیابی ارتباطات بین رشته‌ای علوم اجتماعی با دیگر رشته‌ها بررسی کرد. نتایج بررسی نشان داد که منابع ۴۶ رشته مختلف، مورد استناد نشریات حوزه علوم اجتماعی قرار گرفته و متقابلاً در این ۴۶ رشته نیز از آثار حوزه علوم اجتماعی بهره گرفته شده است. بر اساس این بررسی، علوم اجتماعی، رویکردی میان‌رشته‌ای را در چندین حوزه عمده آموزش، پژوهش، حوزه‌های کاربردی و مدیریتی به کار می‌گیرد که این رویکرد به توسعه دانش

1. Cheung

و مبادله اطلاعات با دیگر رشته‌ها کمک می‌کند و از سوی دیگر، دانش مربوط به علوم اجتماعی را وارد حوزه‌های دیگر می‌کند.

بارادل و کومبار^۱ (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «ماهیت میان‌رشته‌ای علم کتابداری» به‌منظور سنجش ماهیت میان‌رشته‌ای این رشته، مقاله‌های مروری منتشر شده در دوره زمانی مشخصی را برای قضاوت درباره ماهیت میان‌رشته‌ای موضوعات تحت پوشش، انتخاب کردند. نتایج بررسی، نشان‌دهنده وجود ارتباط حوزه کتابداری با ۲۹ موضوع دیگر شامل فناوری ارتباطات، فناوری کامپیوتر، فناوری ذخیره اطلاعات و ... بود (ستوده، ۱۳۸۹، ۱۵۴).

استیل و استیر^۲ (۲۰۰۰) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر مطالعات میان‌رشته‌ای در تحقیقات علوم محیطی: مطالعه موردی جنگلداری» بیش از ۷۵۰ مقاله را که در مجله فارست ساینس^۳ منتشر شده بود با شاخص تنوع بریلیون^۴ تحلیل کردند. نتایج نشان داد که وام گرفتن از اطلاعات سایر رشته‌ها از روش‌های قدرتمند انتقال اطلاعات میان‌رشته‌ای است. مقاله‌هایی که از اطلاعات مجموعه متنوعی از مجلات حوزه‌های گوناگون علوم استفاده کرده بودند، بسیار بیشتر از مقاله‌هایی مورد استناد قرار گرفته بودند که رفرنس‌های آنها مربوط به حوزه‌های محدودتر یا یک حوزه خاص می‌شد. از سوی دیگر تولیدات میان‌رشته‌ای دارای تأثیرات مثبت و قابل اندازه‌گیری در مقاله‌های حوزه جنگلداری است (عبدخدا، ۱۳۸۹، ۱۷۸).

تانگ^۵ (۲۰۰۴) با بررسی استندهای بین رشته‌ای مقاله‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به سایر علوم و بالعکس، ارتباط میان‌رشته‌ای متقاطع در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی و دیگر رشته‌ها را ارزیابی کرد. یافته‌ها نشان داد که تعداد استندهای درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای، ارتباط معنی‌داری با سال انتشار مقاله‌ها ندارند اما استندهایی که از مقاله‌های دیگر به مقاله‌های رشته کتابداری انجام گرفته و استندهایی که از کتابداری به مقاله‌های حوزه‌های دیگر علوم انجام شده، دارای اختلاف معنی‌دار هستند. نزدیک به ۳۰ رشته دارای استناد متقابل با رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند

1. Baradol & Kumbar

2. Steele & Stier

3. Forest Science

4. Brillion

5. Tong

که بیشترین تعداد مربوط به رشته‌های علوم کامپیوتر، ارتباطات، علوم مدیریت، آموزش و پرورش و روان‌شناسی است. در مجموع، این تحقیق نشان داد که تعداد استناد رشته‌های دیگر به کتابداری بیشتر از تعداد استنادهای کتابداری به علوم دیگر بود و این گواهی بر ماهیت و طبیعت بین رشته‌ای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است.

ادل و گابارد^۱ (۲۰۰۸) طی مطالعه‌ای علم‌سنجی با استفاده از داده‌های پایگاه گزارش استنادی نشریات در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴، استنادهایی را بررسی کردند که نشریات کتابداری طی سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴ از سایر رشته‌ها دریافت کرده بودند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان استنادهای دریافتی از دو حوزه علوم رایانه و مدیریت و بازرگانی طی سال‌های مورد بررسی، رشد صعودی داشته و نسبت استنادهای این حوزه به نشریات کتابداری و اطلاع‌رسانی طی سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۴ دو برابر شده است. حوزه پزشکی، یک دهم استنادهای سایر رشته‌ها به علوم کتابداری را در برداشت و حوزه‌های روان‌شناسی و مهندسی نیز نسبت به حوزه‌های علوم و علوم اجتماعی بیشترین میزان استناد را به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی داشتند (ستوده، ۱۳۸۹، ۱۵۲). لیدسدورف و گلدستون^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی، ماهیت میان‌رشته‌ای نشریه علوم شناختی را در طول سه دهه بررسی کردند. آنها پایه‌های دانش این حوزه را از نظر تغییر ترکیب میان‌رشته‌ای مطالعه کردند و یافته‌های آنها نشان‌دهنده ایجاد فضای میان‌رشته‌ای آن در دهه ۱۹۸۰، توسعه گرایش میان‌رشته‌ای آن در دهه ۱۹۹۰ و استقرار مجدد روان‌شناسی شناختی در دهه ۲۰۰۰ بود (حسینی، ۱۳۹۵، ۱۳۵).

بارتل و سیدل^۳ (۲۰۱۷) با هدف بررسی همکاری بین رشته‌ای بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی، مجلات و مقاله‌های پژوهشی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ با موضوع آب‌های زیرزمینی را بررسی کردند. به این منظور، آنها ارجاعات، عناوین و واژگان کلیدی را تجزیه و تحلیل کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که همکاری بین رشته‌ای دانشمندان علوم طبیعی و علوم اجتماعی، بسیار محدود و انگشت‌شمار است و مقاله‌ها و پژوهش‌های این رشته، بیشتر تک‌رشته‌ای است.

داورپناه (۱۳۸۳) در پژوهشی با روش تحلیل استنادی چگونگی روابط میان‌رشته‌ای سیزده رشته علوم انسانی شامل اقتصاد، بازرگانی، تاریخ، جغرافیا، حسابداری، حقوق،

1. Odell & Gabbard

2. Leydesdorff & Goldstone

3. Barthel & Siedl

روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، علوم سیاسی، فلسفه، کتابداری و اطلاع‌رسانی و مدیریت را بررسی کرد تا میزان اتکای هر رشته به متون خود و متون سایر رشته‌ها مشخص شود. جامعه آماری پژوهش، مقاله‌های تألیفی فارسی مجله‌های علمی - پژوهشی حوزه علوم انسانی در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ و شامل ۳۸۲۹ استناد است. نتایج نشان داد که رشته‌های مورد بررسی بین ۱۵ تا ۵۰ درصد به متون سایر رشته‌های علوم انسانی یا غیر علوم انسانی متکی هستند.

قناویزچیان (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «شناسایی روابط فرارشته‌ای مقاله‌های تألیفی پنج نشریه هسته رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران با سایر رشته‌ها طی دوره‌ای ده‌ساله» نشان داد که میزان و الگوی پیوندهای فرارشته‌ای طی دوره مطالعه یکسان نبودند و ۲۷/۷ درصد استنادها به منابع رشته‌های دیگر بوده است. بیشترین استنادهای مقاله‌های تألیفی نشریات بررسی شده به علوم کامپیوتر اختصاص داشته است. علوم تربیتی و جامعه‌شناسی به ترتیب دومین و سومین رشته‌های پراستناد بوده و بیشترین میزان پیوندهای فرارشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی به سال ۱۳۸۰ مربوط بوده است. کتاب‌ها بالاترین سهم از انواع محمل‌های اطلاعاتی استناد شده را دارا بوده و به منابع فارسی بیش از منابع دیگر استناد شده بود.

ستوده (۱۳۸۹) در پژوهشی با استفاده از روش تحلیل استنادی، تعاملات میان‌رشته‌ای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را با رشته‌های دیگر بررسی کرد. نتایج بررسی نشان داد که حوزه کتابداری در ۳۶ حوزه موضوعی، مورد استناد قرار گرفته و به همان ۳۶ حوزه موضوعی استناد داده بود. در این پژوهش، سهم هر رشته علمی از استنادها و ارجاعات نشریات کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز تعیین و مشخص شد که رشته مدیریت بیشترین میزان استنادها و ارجاعات را در نشریات کتابداری به خود اختصاص داده است. همچنین مشخص شد میان ضریب تأثیر نشریات و میزان استنادها و ارجاعات غیر از حوزه کتابداری در آنها رابطه بسیار قوی وجود دارد (ستوده، ۱۳۸۹، ۱۴۹).

محمدیان، عطاپور و نقشینه (۱۳۹۳) در پژوهش خود، روند موضوعی شکل‌گیری پژوهش در حوزه نظام‌های اطلاعاتی و شناسایی ارتباطات بین‌رشته‌ای آن را تحلیل کردند. آنها با استخراج ۵۰۰۰ مقاله پراستناد حوزه نظام‌های اطلاعاتی از پایگاه WOS و با استفاده از روش‌های نگاشت استنادی مبتنی بر زمان و نگاشت هم‌وقوعی مقوله‌ها به ترتیب، روند موضوعی و ارتباطات بین‌رشته‌ای در حوزه نظام‌های اطلاعاتی را مطالعه کردند. نتایج نشان داد که پژوهش‌های حوزه نظام‌های اطلاعاتی در چهار خوشه

موضوعی انجام گرفته‌اند. تحلیل روابط بین‌رشته‌ای آشکار کرد که بیشترین ارتباطات بین‌رشته‌ای به ارتباط علوم کامپیوتر و نظام‌های اطلاعاتی با علوم اطلاعات و کتابداری، علوم اطلاعات و کتابداری با مدیریت و مهندسی برق و الکترونیک با ارتباطات راه دور اختصاص دارد.

پژوهش حسینی (۱۳۹۵) درباره ماهیت میان‌رشته‌ای حوزه علوم شناختی در نشریات بین‌المللی با ترسیم و تحلیل نقشه علمی بود. در این پژوهش کاربردی که با فنون علم‌سنجی اجرا شد، حوزه‌های موضوعی دخیل در تولیدات علمی علوم شناختی بررسی شد. بر اساس نتایج این پژوهش، بیشترین حوزه موضوعی استنادکننده به مقاله‌های این حوزه، پژوهش آموزش و پرورش بود. با ترسیم نقشه علمی با رویکرد نگاشت لایه‌ای، هشت حوزه اصلی شناسایی شدند که تصویر جامعی از ماهیت میان‌رشته‌ای و تعاملات موجود میان نشریات علوم شناختی و سایر حوزه‌های دانش داشتند.

مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته در ایران و خارج از ایران نشان می‌دهد که با تحلیل استنادی، پژوهش‌های بسیاری اجرا شده است. در میان این دست از پژوهش‌ها، بررسی ارتباط موضوعی و میان‌رشته‌ای حوزه‌های موضوعی مختلف نیز توجه پژوهشگران بسیاری را به خود معطوف کرده است. همچنین با توجه به میان‌رشته‌ای بودن علوم اطلاع‌رسانی و کتابداری، به نظر می‌رسد پژوهش در این حوزه بیش از سایر رشته‌ها بوده است. پژوهش لیدسدورف و گلدستون^۱ (۲۰۱۴) و حسینی (۱۳۹۵) که ماهیت میان‌رشته‌ای حوزه علوم شناختی را بررسی کرده‌اند تا حدودی به موضوع پژوهش حاضر نزدیک است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- نویسندگان مقاله‌های روان‌شناسی مورد بررسی به کدام محمل‌های اطلاعاتی استناد کرده‌اند؟
- ۲- نویسندگان در تألیف مقاله‌های روان‌شناسی تا چه میزان به متون خود رشته اتکا داشته‌اند؟
- ۳- منابع اطلاعاتی چه حوزه‌های موضوعی در تألیف مقاله‌های روان‌شناسی مورد بررسی نقش داشته‌اند؟

^۱.Leydesdorff & Goldstone

۴- منابع اطلاعاتی چه رشته‌هایی در تألیف مقاله‌های روان‌شناسی مورد بررسی نقش داشته‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش کتاب‌سنجی با رویکرد کمی و فن تحلیل استنادی استفاده شده است. در تحلیل استنادی فرض بر این است که میان سند و متن، رابطه محتوایی وجود دارد و متن کم و بیش به همان موضوعی می‌پردازد که سند به آن پرداخته است (حری، ۱۳۷۲). گردآوری داده‌ها و رسیدن به اهداف مورد نظر این پژوهش تنها با بررسی متن و منابع و کشف روابط میان آنها میسر است و تحلیل استنادی تنها روش برای توجیه این روابط است. متون موضوعی روان‌شناسی بازتاب محتوای این رشته است و این ارتباط میان متون روان‌شناسی با منابع مورد استنادش نیز وجود دارد، بنابراین، مطالعه الگوهای استنادی به‌کار رفته در این متون می‌تواند منبعی برای شناسایی روابط فرارشته‌ای این رشته باشد. شناخت الگوهای فرارشته‌ای در روان‌شناسی جایگاه این رشته را در میان سایر موضوعات علوم بشری نشان می‌دهد و نیز سبب مشارکت پژوهشگران و دانشمندان سایر رشته‌ها در این رشته خواهد شد.

جامعه آماری پژوهش شامل استنادهای مقاله‌های تألیفی حوزه روان‌شناسی در نشریات منتشر شده در دانشگاه آزاد اسلامی بود. بر این اساس، سه نشریه فعال و روزآمد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، شامل؛ فصلنامه «اندیشه و رفتار»، فصلنامه «دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی» و فصلنامه «روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی»، شناسایی و انتخاب شد. از این سه نشریه در یک بازه زمانی دو ساله (۱۳۹۳ - ۱۳۹۴)، ۲۱۱ مقاله منتشر شده بود که استنادهای آن از فهرست منابع این مقاله‌ها استخراج شد. شایان ذکر است به دلیل کامل نبودن اطلاعات کتابشناختی و نیز ابهام در تشخیص نوع محمل اطلاعاتی، تعدادی از استنادها، حذف و درنهایت از ۶۹۹۰ استناد کامل و درست برای تحلیل استفاده شد.

در مرحله اول، همه مقاله‌های نشریات مورد نظر، بررسی و اطلاعات توصیفی مقاله‌ها و استنادها در فرم‌های محقق‌ساخته درج شد. به این صورت که برای هر استناد، یک کاربرگه تهیه شد. سپس اطلاعات گردآوری‌شده استنادها بر اساس نوع محمل اطلاعاتی (کتاب، نشریه، پایان‌نامه، ...) و زبان (فارسی و غیرفارسی) تفکیک شد. گام اصلی، تعیین موضوع استنادها بود که به دو دسته روان‌شناسی و غیر روان‌شناسی تقسیم

شد. حوزه‌های موضوعی غیر روان‌شناسی (استندهای فرارشته‌ای) با الهام از پنج گروه امتحانی آزمون تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های کشور، به پنج حوزه اصلی علوم انسانی، علوم پایه، علوم فنی و مهندسی، علوم پزشکی و هنر تقسیم شد. هر یک از حوزه‌ها نیز شامل رشته‌های دانشگاهی مربوط به خود بود. سپس داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری، دسته‌بندی شدند. برای ترسیم جدول‌ها و نمودارهای مربوطه نیز از برنامه اکسل استفاده شد.

هنر	علوم پزشکی	علوم فنی و مهندسی	علوم پایه	علوم انسانی
• موسیقی	• پزشکی	• کشاورزی	• شیمی	• علوم
• نقاشی	• پرستاری	• کامپیوتر	• فیزیک	• اجتماعی
• هنرهای تجسمی	• داروسازی	• و ...	• ریاضی	• علوم تربیتی
• و ..	• و ...		• و ...	• مدیریت
				• دین و معارف اسلامی
				• و ...

شکل (۱) خوشه‌بندی موضوعی و رشته‌ای استندها

یافته‌های پژوهش

پرسش اول: نویسندگان مقاله‌های روان‌شناسی مورد بررسی به کدام محمل‌های اطلاعاتی استناد کرده‌اند؟

جدول (۱) استادهای مقاله‌های نشریات روان‌شناسی بررسی شده برحسب انواع محمل‌های اطلاعاتی

نوع محمل	زبان		فارسی		غیرفارسی		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کتاب	۵۱۵	۷/۳۷	۱۱۹۱	۱۷/۰۴	۱۷۰۶	۲۴/۴		
نشریه ادواری	۴۵۲	۶/۴۷	۳۹۱۰	۵۵/۹۴	۴۳۶۲	۶۲/۴		
پایان‌نامه	۴۱۲	۵/۸۹	۹۴	۱/۳۴	۵۰۶	۷/۲		
مجموعه مقالات	۷۳	۱/۰۴	۵۵	۰/۷۹	۱۲۸	۱/۸		
گزارش و طرح	۳۶	۰/۵۲	۱۸	۰/۲۶	۵۴	۰/۸		
منابع الکترونیکی	۲	۰/۰۳	۱۲۹	۱/۸۵	۱۳۱	۱/۹		
سایر	۵	۰/۰۷	۹۸	۱/۴۰	۱۰۳	۱/۵		
جمع	۱۴۹۵	۲۱/۳۹	۵۴۹۵	۷۸/۶۱	۶۹۹۰	۱۰۰		

مقاله‌های بررسی شده در مجموع دارای ۶۹۹۰ استناد بودند که ۱۴۹۵ استناد (۲۱/۳۹ درصد) به زبان فارسی و ۵۴۹۵ استناد (۷۸/۶۱ درصد) به زبان غیرفارسی و میانگین تعداد استنادها برای هر مقاله، ۳۳/۱۳ استناد است. استنادها برای بررسی به هفت مقوله عمده تقسیم شده که به ترتیب شامل کتاب، نشریه ادواری، پایان‌نامه، مجموعه مقاله‌ها، گزارش و طرح، منابع الکترونیکی و سایر منابع است. منظور از سایر منابع، استندهایی است که در شش مقوله دیگر جای نمی‌گیرند و عمدتاً شامل منابعی چون روزنامه‌ها، مصوبات، آیین‌نامه‌ها و مانند آن است. در مجموع استندهای فارسی و غیر فارسی، بیشترین استناد با ۶۲/۴ درصد به نشریه‌های ادواری (مجله‌ها) اختصاص دارد. کتاب‌ها با ۲۴/۴ درصد بیشترین استناد را پس از نشریه‌ها به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بر اساس داده‌ها از ۱۴۹۵ استناد فارسی، ۱۶ درصد (۲۳۸ استناد) ترجمه است. شایان ذکر است که استندهای ترجمه‌ای فقط شامل کتاب‌ها بود و استندهای مربوط به سایر محمل‌های اطلاعاتی همه تألیفی بودند.

پرسش دوم: نویسندگان در تألیف مقاله‌ها تا چه میزان به متون رشته روان‌شناسی اتکا داشته‌اند؟

جدول (۲) استندهای مقاله‌های نشریات روان‌شناسی بررسی شده به تفکیک حوزه‌های موضوعی

حوزه‌های موضوعی	فراوانی	درصد
روان‌شناسی	۵۷۳۸	۸۲/۱
علوم انسانی	۹۱۵	۱۳/۱
علوم پزشکی	۲۸۰	۴
علوم پایه	۳۸	۰/۵
هنر	۱۳	۰/۲
فنی و مهندسی	۶	۰/۱
جمع	۶۹۹۰	۱۰۰

جدول (۲) شمه‌ای کلی از حوزه‌های موضوعی مورد استناد در نشریه‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. حوزه روان‌شناسی با ۸۲/۱ درصد بیشترین سهم را دارد. ۱۷/۹ درصد به سایر حوزه‌های موضوعی شامل علوم انسانی، علوم پزشکی، علوم پایه، فنی و مهندسی و هنر، اختصاص دارد.

پرسش سوم: منابع اطلاعاتی چه حوزه‌های موضوعی در تألیف مقاله‌های روان‌شناسی مورد بررسی نقش داشته‌اند؟

جدول (۳) استندهای فرارشته‌ای مقاله‌های نشریات روان‌شناسی بررسی شده به تفکیک

حوزه‌های موضوعی

حوزه موضوعی	فارسی		غیرفارسی		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
علوم انسانی	۲۵۸	۲۰/۶	۶۵۷	۵۲/۵	۹۱۵	۷۳/۱
علوم پزشکی	۶۸	۵/۵	۲۱۲	۱۶/۹	۲۸۰	۲۲/۵
علوم پایه	۱۳	۱	۲۵	۲	۳۸	۳
هنر	۴	۰/۳	۹	۰/۷	۱۳	۱
فنی و مهندسی	۲	۰/۲	۴	۰/۳	۶	۰/۵
جمع	۳۴۵	۲۷/۶	۹۰۷	۷۲/۴	۱۲۵۲	۱۰۰

جدول (۳) توزیع فراوانی موضوعی در منابع مورد استناد غیر از حوزه روان‌شناسی را نشان می‌دهد. حوزه موضوعی علوم انسانی بیشترین سهم (۷۳/۱) و حوزه فنی و مهندسی (۰/۵) کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. در تمامی پنج حوزه موضوعی، ۷۲/۴ درصد از همه استندهای فرارشته‌ای به زبان انگلیسی است. پرسش چهارم: منابع اطلاعاتی چه رشته‌هایی در تألیف مقاله‌های روان‌شناسی مورد بررسی نقش داشته‌اند؟

جدول (۴) استندهای حوزه علوم انسانی مقاله‌های نشریات روان‌شناسی بررسی شده به تفکیک رشته

درصد	فراوانی	رشته‌های مورد استناد
۴۹/۳	۴۵۱	مجموعه علوم اجتماعی
۲۱/۳	۱۹۵	مجموعه علوم تربیتی
۱۲/۲	۱۱۲	مجموعه مدیریت
۹/۹	۹۱	دین و معارف اسلامی
۲/۸	۲۶	تربیت بدنی
۲/۵	۲۳	علوم اقتصادی
۰/۹	۸	ادبیات
۰/۸	۷	علوم ارتباطات
۰/۲	۲	فلسفه
۱۰۰	۹۱۵	جمع

مجموعه رشته‌های علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی، مطالعات فرهنگی و ...) با ۴۹/۳ درصد بیشترین سهم استندهای فرارشته‌ای روان‌شناسی را به خود اختصاص داده است. مجموعه علوم تربیتی (رشته‌های برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، تحقیقات آموزشی، مشاوره و ...) با ۲۱/۳ درصد دومین رشته مورد استناد این حوزه است. مجموعه مدیریت با ۱۲/۲ درصد و دین و معارف اسلامی با ۹/۹ درصد به ترتیب از دیگر رشته‌های پراستناد این حوزه هستند.

در حوزه علوم پزشکی، ۲۸۰ استناد مربوط به رشته‌های پرستاری و پزشکی است. از ۳۸ مورد استناد به رشته‌های علوم پایه، رشته آمار با ۲۸ مورد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. ۱۰ استناد دیگر مربوط به رشته‌های شیمی، فیزیک و

زیست‌شناسی است. در حوزه هنر رشته موسیقی ۱۳ استناد را به خود اختصاص داده است. ۶ استناد حوزه فنی و مهندسی مربوط به رشته‌های کشاورزی و کامپیوتر است.

نتیجه‌گیری

از مجموع ۶۹۹۰ استناد در مقاله‌های بررسی شده می‌توان گفت هر مقاله به‌طور متوسط دارای ۳۳ استناد است. ۲۱/۳۹ درصد از کل استنادها به زبان فارسی و ۷۸/۶۱ درصد به زبان انگلیسی است. اختلاف زیاد بین استنادهای فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد مؤلفان مقاله‌ها به منابع انگلیسی بیش از منابع فارسی متکی هستند. در میان استنادهای فارسی ابتدا کتاب (۵۱۵ استناد) و سپس نشریه (۴۵۲ استناد) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. در پژوهش خسروجردی (۱۳۸۹) با تحلیل استنادی پایان‌نامه‌های رشته روان‌شناسی نیز مشخص شد که نشریه و کتاب، بیشترین میزان استنادها را به خود اختصاص داده است. از آنجا که نشریات از منابع مهم اطلاعاتی و حاوی جدیدترین اطلاعات علمی روز هستند، ناکافی بودن نشریات تخصصی فارسی در حوزه روان‌شناسی می‌تواند دلیل مراجعه بیشتر پژوهشگران به کتاب در درجه اول باشد؛ اما در استنادهای انگلیسی بیشترین استناد به نشریات ادواری است. می‌توان گفت دسترسی نداشتن سریع و آسان پژوهشگران در داخل کشور به کتاب‌های جدید انگلیسی در این حوزه، پژوهشگران را به استفاده بیشتر از نشریات ادواری سوق داده است. به‌ویژه اینکه امروزه دسترسی الکترونیکی و اینترنتی به این محمل اطلاعاتی آسان‌تر از دسترسی به کتاب است. در هر صورت، نشریه‌های علمی همواره دربردارنده اطلاعات جدیدتر و روزآمدتری در مقایسه با سایر محمل‌های اطلاعاتی هستند. به‌طور کلی باید گفت کتاب و نشریات ادواری نقش مهمی در تأمین نیازهای اطلاعاتی پژوهشگران دارند و در درجه اول اهمیت نسبت به سایر منابع قرار می‌گیرند. پژوهش‌های مشابه نیز نشان داده این منابع پشتوانه مناسبی برای تحقیقات هستند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نویسندگان مقاله‌های نشریه‌های مورد مطالعه ۸۲/۱ درصد به منابع خود رشته (روان‌شناسی) اتکا داشته و ۱۷/۹ درصد با سایر رشته‌ها پیوند داشته‌اند. از مجموع استنادهای بررسی شده، ۵۷۳۸ استناد به منابع روان‌شناسی و ۱۲۵۲ مورد به رشته‌های دیگر استناد شده است. البته جز این انتظار نمی‌رود که پژوهشگران حوزه روان‌شناسی نیز مانند بسیاری از رشته‌های دیگر، ابتدا از متون و منابع رشته خود بهره‌گیرند ولی برای پاسخ‌یابی پرسش‌های خود بی‌نیاز از سایر حوزه‌ها نیز

نیستند و این عوامل موجب شده تا این رشته، پیوندهایی با سایر رشته‌ها داشته باشد. رشته روان‌شناسی در طبقه‌بندی علوم، در حوزه علوم انسانی جای دارد و بر اساس نتایج پژوهش نیز بیشتر به متون این حوزه اتکا دارد. رشته روان‌شناسی در نقش رشته‌ای انعطاف‌پذیر، از بخش‌های مختلف حوزه علوم انسانی برای پاسخ گفتن به مسائل خود بهره برده است. روان‌شناسی در این زمانه می‌تواند به‌عنوان چهارچوبی وحدت بخش، رشته‌های مختلف علوم انسانی را برای رفع مشکلات و تأمین نیازهای جامعه با یکدیگر متحد کند (فراهانی و خانی‌پور، ۱۳۹۵، ۱۷۴) و از منظر دیگری، رشته روان‌شناسی می‌تواند در نقش یک علم میانجی، علوم انسانی را به هم مرتبط کند (همان، ۱۷۳). پس از حوزه علوم انسانی، با اختلاف زیادی از آثار حوزه علوم پزشکی بهره گرفته شده است، چنانچه در مرزبندی علوم نیز برخی این رشته را در زمره علوم طبیعی به شمار آورده‌اند.

در میان رشته‌های علوم انسانی، نویسندگان این حوزه، بیشترین پیوند را با منابع رشته علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، پژوهشگری علوم اجتماعی و مانند آن) برقرار کرده‌اند؛ یعنی نزدیک به نیمی از استندهای فرارشته‌ای نویسندگان به این رشته بوده است. رشته علوم تربیتی با ۲۱/۳ درصد، در مرتبه بعدی استندهای فرارشته‌ای نویسندگان مقاله‌ها قرار دارد. در پژوهش حسینی (۱۳۹۵) نیز مقاله‌های حوزه علوم شناختی و مقاله‌های حوزه آموزش و پرورش، بیشتر به هم استناد کرده بودند که تا حدودی با این نتیجه، مطابقت دارد. مجموعه مدیریت و دین نیز به ترتیب از دیگر رشته‌های پر استناد نویسندگان مقاله‌های روان‌شناسی مورد بررسی هستند. داورپناه (۱۳۸۳) نیز طی پژوهش خود دریافت که رشته روان‌شناسی با رشته‌های علوم اجتماعی، علوم تربیتی، فلسفه، مدیریت، دین، زبان‌شناسی، کامپیوتر، موسیقی، روان‌پزشکی، مغز و اعصاب، علوم پزشکی و بهداشت ارتباط دارد. این موضوع می‌تواند در انتخاب و تهیه منابع اطلاعاتی پژوهشگران و مجموعه‌سازی کتابخانه‌های تخصصی یا دانشکده‌ای رشته روان‌شناسی مد نظر قرار گیرد. همچنین نتایج پژوهش نشانگر آن است که استناد به منابع تألیفی بیش از استناد به منابع ترجمه‌ای بوده است. ۸۴ درصد از استندهای فارسی، تألیفی و ۱۶ درصد آثار ترجمه‌ای هستند. البته استندهای ترجمه‌ای فقط مربوط به کتاب‌ها بودند. می‌توان استناد به منابع ترجمه‌ای را به‌نوعی استناد به منابع انگلیسی قلمداد کرد. اختلاف بسیار زیاد بین استندهای ترجمه‌ای در مقایسه با منابع تألیفی و

درصد بالای استنادهای انگلیسی در مقایسه با استنادهای فارسی، ممکن است ناشی از این باشد که نویسندگان ترجیح داده‌اند از منابع به زبان اصلی استفاده کنند. با توجه به نتایج می‌توان گفت که امروزه جهت‌گیری فرارشته‌ای در مطالعات علمی نه تنها ضرورت، بلکه نیاز است. رشته‌های تخصصی برای دوری از تک‌بعدی نگریستن به پدیده‌ها و داشتن دید همه‌جانبه، کم و بیش باید از رشته‌های هم‌جوار خود آگاه باشند (صدیقی و جلالی‌منش، ۱۳۹۱). با اجرای پژوهش‌های گسترده‌تر در زمینه مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه روان‌شناسی و همچنین سایر حوزه‌های علمی، می‌توان از نتایج و یافته‌های تحقیقات به‌منظور تهیه منابع اطلاعاتی برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی مؤسسات آموزش عالی، همکاری‌های علمی مشترک و در سطحی فراتر برای گسترش و برنامه‌ریزی درسی رشته‌های دانشگاهی و گرایش‌های مربوط، بهره گرفت. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی برای شناخت مفاهیم مشترک علوم با یکدیگر و رفتارهای اطلاع‌یابی پژوهشگران در فعالیت‌های علمی و تخصصی و تعاملات میان رشته‌ها در اجرای پژوهش‌هایی در این زمینه فعال باشند و نتایج آن را به اشتراک بگذارند. مقایسه تطبیقی نتایج این تحقیقات، یافته‌های ارزشمندی به دست خواهد داد.

منابع

- پارسا، محمد (۱۳۸۲). بنیادهای روان‌شناسی. تهران: انتشارات سخن.
- حری، عباس (۱۳۷۲). *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حری، عباس و شاهبداغی، اعظم (۱۳۸۵). *شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی: رهنمودهای بین‌المللی*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- حسینی، الهه (۱۳۹۵). ماهیت میان‌رشته‌ای حوزه علوم شناختی در نشریات بین‌المللی: ترسیم و تحلیل نقشه علمی با رویکرد نگاشت لایه‌ای علم. *مجموعه مقالات همایش ملی نشریات علمی کشور*، ۱۳۵ - ۱۴۵.
- خسروجردی، محمود (۱۳۸۶). تحلیل استنادی تطبیقی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی دانشگاه تهران (۱۳۸۰-۱۳۸۴). *مدیریت اطلاعات*، ۲ (۱)، ۱۹ - ۳۴.
- داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۳). *روابط میان‌رشته‌ای در علوم انسانی: تحلیلی استنادی*. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی. ۵ (۲)، ۱۷ - ۳۶.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران؛ مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ریسمان‌باف، امیر (۱۳۸۹). جنبه‌های بین‌رشته‌ای در علم اطلاعات: ماهیت یا گرایش؟ در *نشاط، نرگس؛ اشتری، محمدجواد؛ پاسیار، پریسا (۱۳۸۹)*. *مطالعات میان‌رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی: وضعیت موجود، چشم‌انداز مطلوب: مجموعه مقالات سومین همایش سراسری ... (ادکا)*. تهران: کتابدار، صص ۱۹ - ۵۸.
- ستوده، هاجر و دیدگاه، فرشته (۱۳۸۹). بررسی تعاملات میان‌رشته‌ای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی با سایر رشته‌ها با استفاده از تحلیل استنادی نشریات این حوزه. در *نشاط، نرگس؛ اشتری، محمدجواد؛ پاسیار، پریسا (۱۳۸۹)*. *مطالعات میان‌رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی: وضعیت موجود، چشم‌انداز مطلوب: مجموعه مقالات سومین همایش سراسری ... (ادکا)*. تهران: کتابدار، صص ۱۴۹ - ۱۶۲.
- صدیقی، مه‌ری و جلالی‌منش، عمار (۱۳۹۱). *تحلیل روابط و الگوهای میان‌رشته‌ای در منتخبی از حوزه‌های اولویت‌دار علم و فناوری براساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی «وب‌آوساین‌س»*، (طرح پژوهشی). تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- عبدخدا، هیوا؛ محمدی، لیلا و بیگدلی، عبدالحسین (۱۳۸۹). بررسی سهم مطالعات میان‌رشته‌ای در تولیدات علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران بر مبنای مقاله‌های

- موجود در پایگاه اطلاعاتی چکیده‌نامه کتابداری، اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات در یک دهه اخیر. در نشاط، نرگس؛ اشتری، محمدجواد؛ پاسیار، پریسا (۱۳۸۹). مطالعات میان‌رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی: وضعیت موجود، چشم‌انداز مطلوب: مجموعه مقالات سومین همایش سراسری ... (ادکا). تهران: کتابدار.
- فراهانی، محمدتقی و خانی‌پور، حمید (۱۳۹۵). نقش روان‌شناسی در ایجاد پیوند بین رشته‌های علوم انسانی برای توسعه مؤسسه‌های میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸ (۴)، ۱۷۳ - ۱۹۳.
- قنایزچیان، غزاله (۱۳۸۵). شناسایی الگوی روابط فرارشته‌ای مقالات تألیفی پنج نشریه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران با سایر رشته‌ها طی دوره ده‌ساله ۱۲ - ۱۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- محمدیان، سجاد؛ عطاپور، هاشم و نقشینه، نادر (۱۳۹۳). تحلیل روند موضوعی و کشف ارتباطات میان‌رشته‌ای در مقالات حوزه سیستم‌های اطلاعاتی. ارائه شده به صورت پوستر در نخستین کنفرانس سیستم‌های اطلاعاتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۵ و ۶ اسفند ۱۳۹۳.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- موتد، هنک (۲۰۰۵). تحلیل استنادی در ارزیابی پژوهش؛ ترجمه عباس میرزایی و حیدر مختاری (۱۳۸۷). تهران: چاپار.
- نشاط، نرگس؛ اشتری، محمدجواد و پاسیار، پریسا (۱۳۸۹). مطالعات میان‌رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی: وضعیت موجود، چشم‌انداز مطلوب: مجموعه مقالات سومین همایش سراسری ... (ادکا). تهران: کتابدار.
- نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۰). آشنایی با علم‌سنجی (مبانی، مفاهیم، روابط و ریشه‌ها). تهران: سمت.

- Baradol, A. K. & Kumbar, S. (1998). *Interdisciplinary nature of library science*. *Annals of Library Science and Documentation*, 45 (2), 49 - 56.
- Barthel, Roland & Siedl, Roman (2017). Interdisciplinary collaboration between natural and social sciences – status and trends exemplified in groundwater research. *PLoS One*, 12 (1), e0170754.

- Cheung, Kam – Fong Monit (1990). *Interdisciplinary relationships between social work and other disciplines: A citation study*. Social work and abstracts. 26, (3).
- University of Chicago (1993). *The Chicago Manual of Style*. The University of Chicago Press.
- Garfield, Eugene (1996). When to cite. *Library Quarterly*, 66 (4), 449 – 458.
- Leydesdorff, L. & Goldstone, R. L. (2014). Interdisciplinarity at the journal and specialty level: The changing knowledge bases of the journal cognitive science. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 60 (2), 348 – 362.
- Nicolaisen, Jeppe (2003). Citation analysis. *Annual Review of Information Science and Technology*, 41, 609 – 641.
- Odell, J. & Gabbard, R. (2008). *The interdisciplinary influence of library and information science 1996 – 2004: A journal to journal citation analysis*. College and Research libraries. 69 (6), 546 – 564.
- Oxford University Press (2003). *Oxford advanced learners dictionary*. Under "cite". [Online]: Available at: <http://www.oup.co.uk/elt/olad/bin>
- Steele, Thomas W. & Stier, Jeffrey C. (2000). The impact of interdisciplinary research in the environmental sciences: a forestry case study. *Journal of the American Society for Information Science*. 51 (5), 476 – 484.
- Tong, Rong (2004). *Evolution of the interdisciplinary characteristics of information and library science*. Proceedings of the American Society for Information Science and Technology. 41 (1), 54–63.